

## عنوان مقاله:

بررسی تطبیقی مفهوم مکان نزد ارسطو، دکارت و هیدگر

## محل انتشار:

دوفصلنامه متافیزیک، دوره 3، شماره 9 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

## نویسندگان:

محمدجواد صافیان - استادیار فلسفه دانشگاه اصفهان (مسئول مکاتبات)

ناصر مومنی - کارشناس ارشد فلسفه

## خلاصه مقاله:

مفهومی که امروزه از مکان شیوع عام دارد بر اساس تلقی متعارف از وجود حاصل شده است. امروزه ما مکان را فضایی صرفاً ریاضی و قابل اندازه گیری که حاوی اشیاء است می دانیم و این معنا را مسلم و بدیهی می انگاریم. در حالی که اگر نیک بنگریم چنین مفهومی از مکان، محصول تلقی دوره جدید از هستی است. از آنجا که در دوره جدید، وجود امر عینی (ابژکتیو) تلقی می گردد مکان چیزی جز فضای ممتد قابل اندازه گیری نیست که در تحلیل نهایی نیز از خود اشیاء مجزا و مستقل نخواهد بود. اما در تفکر سنتی پیش از مدرن فی المثل در نظر ارسطو از آنجا که وجود به معنای فعلیت و کمال اول (یا جوهر) است مکان نیز متناسب با همین مفهوم، عبارت است از آخرین سطح حاوی ارسطو مکان را امری طبیعی می داند که حاوی اشیاء طبیعی است اما آن را امری صرفاً کمی (همانند دکارت) به حساب نمی آورد. ارسطو برای هر شیئی به حسب طبیعت خاص آن به مکانی طبیعی قائل است. خاک و آب و هوا و آتش هر یک مکان خاص خویش را داراست، هیدگر که تفکر متافیزیکی قدیم و جدید را مبتنی بر غفلت از حقیقت وجود می داند، تلقی از مکان در این سنت را نیز نمی پذیرد و تلاش می کند درباره آن برحسب حقیقت وجود به مثابه نامستوری تامل نماید. به همین جهت مکان را بر حسب قرب و بعد آدمی به وجود و موجودات توضیح می دهد.

## کلمات کلیدی:

مکان، فضا، جوهر، امتداد، قرب، وجود

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1276547>

